

مجلس سی‌ام: چگونگی سنجش اعمال در قیامت

حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر مصطفی آزادیان*

اشاره

یکی از مهم‌ترین احوال و منزلگاه‌های قیامت، مرحله رسیدگی به حساب خلایق و سنجش اعمال در دادگاه عدل الهی است. میزان، از ضروریات دین است و آیات قرآن به صراحت از آن سخن گفته است. بر اساس آیات و روایات، پس از ارائه اعمال و گواهی شاهدان، اعمال انسان مورد سنجش قرار می‌گیرد.

خواجه طوسی در کتاب تجرید الاعتقاد می‌نویسد: «وَسَائِرُ السَّمْعِيَّاتِ مِنَ الْمِيزَانِ وَالصَّرَاطِ وَالْحِسَابِ وَتَطَايُرِ الْكُتُبِ مُمَكِّنَةٌ دَلَّ السَّمْعُ عَلَى ثُبُوتِهَا فَيَجِبُ التَّصْدِيقُ بِهَا؛^۱ سایر اموری که در دلیل‌های نقلی آمده است، مانند: میزان، صراط، حساب و گشوده‌شدن نامه‌های اعمال، اموری ممکن است که نقل بر ثبوت آن دلالت کرده است. از این رو، تصدیق و ایمان به آن، واجب است.»

در این نوشتار، به بررسی چگونگی سنجش اعمال در قیامت می‌پردازیم.

معناشناسی واژه «میزان»

میزان در لغت، به وسیله سنجش گفته می‌شود که معادل فارسی آن، ترازو است.^۲ ترازو، مصادیق و کاربردهای مختلفی دارد؛ ترازویی که با آن اجسام و مواد را اندازه‌گیری می‌کنند؛ ترازویی که

* عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

۱. علامه حلی، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، ص ۲۹۷.

۲. حسن مصطفوی، التحقیق فی الکلمات القرآن الکریم، ج ۱۳، ص ۹۸؛ طریحی، مجمع البحرین، ج ۶، ص ۳۲۵.

با آن دمای هوا را می‌سنجند، مانند دماسنج؛ ترازویی که با آن طول و یا عرض چیزی را اندازه می‌گیرند، مانند متر و خط‌کش؛ ترازویی که با آن افکار و استدلال‌های صحیح را از غیر صحیح تشخیص می‌دهند، مانند دانش منطق؛ اما میزان در این نوشتار، به معنای ترازویی است که با آن در قیامت، ایمان و اعمال خوب و بد آدمیان را می‌سنجند؛ «وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا»^۱ ما ترازوهای عدل را در روز قیامت بر پا می‌کنیم؛ پس، به هیچ‌کس کمترین ستمی نمی‌شود.»

پیامبران و ائمه اطهار عليهم‌السلام، میزان اعمال‌اند

همان‌گونه‌که اشاره شد، قرآن کریم به‌صراحت از سنجش و میزان اعمال در روز قیامت سخن گفته است؛ اما درباره اینکه میزان چیست و چگونه این امر صورت خواهد گرفت، میان عالمان دین اختلاف نظر وجود دارد؛ برخی معتقدند در قیامت ترازوی حقیقی نهاده می‌شود که دو کفه دارد و کتابی که اعمال نیک در آن نوشته شده، در یک کفه، و کتابی که اعمال بد در آن نوشته شده، در کفه دیگر نهاده می‌شود. هرکدام سنگین‌تر بود، مطابق آن با شخص برخورد می‌شود.^۲ برخی دیگر معتقدند مقصود از میزان، معنای حقیقی آن نیست؛ بلکه مراد از آن، رعایت عدل و انصاف در سنجش اعمال است.^۳ مقتضای عدل الهی، آن است که کوچک‌ترین اعمال خوب و بد مورد محاسبه قرار می‌گیرد، تا به‌احدی کمترین ظلمی نشود؛ اما بسیاری از دانشمندان اسلامی، بر این باورند که پیامبران و ائمه اطهار عليهم‌السلام و اعمالشان، میزانِ روز قیامت هستند. به هر اندازه‌ای که اعمال مردم از حیث اجزاء، شرایط، اخلاص و معنویت به عمل آنان نزدیک‌تر باشد، عملشان سنگین‌تر، و هر اندازه دورتر باشد، عملشان سبک‌تر خواهد بود.^۴

البته روشن است که پیامبران و اولیای الهی، همگی معصوم هستند و در دایره عبودیت الهی گام برمی‌دارند. آنان از عباد مخلص الهی‌اند و به همین دلیل، نیت‌ها، خواسته‌ها و همه اعمالشان

۱. سوره انبیا، آیه ۴۷.

۲. سعدالدین تفتازانی، شرح المقاصد، تحقیق عبدالرحمن عمیره، ج ۵، ص ۱۲۱؛ علامه حلی، کشف المراد، ص ۲۹۷.

۳. سید شریف جرجانی، شرح المواقیف، ج ۸، ص ۳۲۱؛ علامه حلی، کشف المراد، ص ۲۹۸.

۴. ناصر مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۶، ص ۹۲.

کامل ترین اعمال، و مطابق با حق و مصداق بارز عدل به حساب می آید. برخی از روایات، این دیدگاه را تأیید می کند:

- امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه «وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ» می فرماید: «وَالْمَوَازِينَ الْأَنْبِيَاءُ وَالْأَوْصِيَاءُ وَمِنَ الْخَلْقِ مَنْ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ بِغَيْرِ حِسَابٍ؛ میزان سنجش در آن روز، پیامبران و اوصیای آنها هستند و از مردم کسانی اند که بدون حساب وارد بهشت می شوند.» یعنی کسانی که در پرونده اعمال آنها، نقطه تاریکی وجود ندارد.

- همچنین، امام صادق علیه السلام فرموده است: «إِنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْإِمَّةَ مِنْ ذُرِّيَّتِهِ هُمُ الْمَوَازِينُ؛^۲ امیر مؤمنان و امامان از فرزندان او، ترازوهای سنجش اند.»

- از عبدالله بن عباس نقل شده است که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّ عَلِيًّا قَسِيمُ النَّارِ، لَا يَدْخُلُ النَّارَ وَلِيَّ لَهُ، وَلَا يَنْجُو مِنْهَا عَدُوُّ لَهُ، إِنَّهُ قَسِيمُ الْجَنَّةِ، لَا يَدْخُلُهَا عَدُوُّ لَهُ، وَ لَا يَرْحِضُ عَنْهَا وَلِيَّ لَهُ؛^۳ ای گروه مردم! همانا علی تقسیم کننده جهنم (نار) است؛ کسی که یاور و دوست او باشد، وارد آتش نخواهد شد و کسی که دشمن او باشد، از آن نجات نخواهد یافت. همانا او تقسیم کننده بهشت است؛ کسی که دشمن او باشد، وارد آن نخواهد شد و کسی که دوست او باشد، از آن محروم نخواهد شد.»

- در یکی از زیارات مطلقه امیر مؤمنان، علی علیه السلام می خوانیم: «الْسَّلَامُ عَلَيَّ يَعْسُوبِ الْإِيمَانِ وَ مِيزَانِ الْأَعْمَالِ؛^۴ سلام و درود بر سردار و سالار ایمان و میزان سنجش اعمال.» عمار بن تغلبه می گوید:

عَلَى حُبِّهِ جُنَّةٌ
وَصِيَّ الْمُصْطَفَى حَقًّا
قَسِيمُ النَّارِ وَالْجَنَّةِ
إِمَامُ الْإِنْسِ وَالْجِنَّةِ^۵

«محبت و دوستی علی بن ابی طالب، سپر آتش جهنم است؛ اوست که تقسیم کننده بهشت و دوزخ است و به حق، وصی بلا فصل حضرت ختمی مرتبت، محمد مصطفی است و امام و

۱. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۴۱۹؛ مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷، ص ۲۵۱.

۲. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷، ص ۲۵۲.

۳. شیخ صدوق، امالی، ص ۸۳؛ شیخ صدوق، خصال، ص ۴۹۶.

۴. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۹۷، ص ۳۳۰.

۵. سید هاشم بحرانی، مدینه المعاجز، ج ۱، ص ۲۶۰.

پیشوای انس و جن است.»

مطابق این دیدگاه، نماز و روزه ما را با نماز و روزه علی بن ابی طالب می‌سنجند و اخلاص ما را با اخلاص مولا امیر مؤمنان علیه السلام می‌سنجند. شیخ مفید رحمته الله بر اساس این دسته از روایات، تأکید می‌کند: همه باید بکوشند اعمال خود را شبیه اعمال امامان علیهم السلام قرار دهند.^۱

عوامل سنگین‌کننده میزان اعمال

همه اعمال نیک، در سنگینی میزان تأثیرگذارند؛ اما مطابق روایات، برخی از اعتقادات، اعمال نیک و احساسات و عواطف، نقش ویژه و برجسته‌ای در سنگینی اعمال دارند که در اینجا به بعضی از آنها اشاره می‌شود:

۱. شهادتین

داشتن اعتقادات و باورهای اصیل و مطابق با حقیقت و دوری از اوهام، خرافات و عقاید باطل، مطلوب فطری همه انسان‌هاست. خداوند راه شناخت حقیقت را عقل و وحی قرار داده است و کسانی را که از پدران خود و یا از انسان‌های دیگر کورکورانه تبعیت می‌کنند و در برابر دعوت پیامبران به توحید و اعتقادات حق ایستادگی می‌کنند، سخت مذمت می‌کند:

«بَلِّغُوا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَارِهِم مُّهُتَدُونَ، وَكَذَلِكَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِي قَرْيَةٍ مِنْ نَذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَارِهِم مُّتَسَدُونَ، قَالَ أَوَلَوْ جِئْتَكُمْ بِأَهْدَىٰ مِمَّا وَجَدْتُمْ عَلَيْهِ آبَاءَكُمْ قَالُوا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ؛^۲ [نه] بلکه گفتند: ما پدران خود را بر آیینی یافتیم و ما [هم‌با] پیگیری از آنان راه‌یافتگانیم و بدین‌گونه، در هیچ شهری پیش از تو هشداردهنده‌ای نفرستادیم؛ مگر آنکه خوش‌گذرانان آن گفتند ما پدران خود را بر آیینی [و راهی] یافته‌ایم و ما از پی ایشان راه‌سپریم. گفت: هرچند هدایت‌کننده‌تر از آنچه پدران خود را بر آن یافته‌اید، برای شما بیاورم؟ گفتند: ما به آنچه بدان فرستاده شده‌اید، کافریم.»

قرآن کریم با انتقاد از این نوع شخصیت‌زدگی و تبعیت ناآگاهانه از دیگران، تلاش می‌کند قدرت عقلی و روح برهان‌گروی را در انسان زنده گرداند تا آدمیان اعتقادات و باورهای بنیادین خود را بر اساس عقل و برهان متقن انتخاب کنند. به همین جهت، شخص مسلمان اصول دین خود را باید

۱. شیخ مفید، تصحیح اعتقادات الإمامیه، ص ۱۱۵.

۲. سوره زخرف، آیه ۲۲ - ۲۴.

از روی تحقیق، استدلال و براهین عقلی برگزیند و نه تقلید از دیگران. اعتقاد و شهادت به وحدانیت الهی و رسالت پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، دو اصل از اصول دین است که برای ورود هر شخصی به قلمرو اسلام، بایسته است. مؤمنان هر روز در اذان و اقامه و در تشهد نمازهایشان، به این دو امر شهادت می‌دهند و بر ایمان به آن دو تأکید می‌ورزند.

حضرت علی عَلِيٌّ پس از شهادت به یکتایی خدا و رسالت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، درباره آثار شهادتین می‌فرماید: «شَهَادَتَيْنِ تُصْعِدَانِ الْقَوْلَ وَ تَرْفَعَانِ الْعَمَلَ لَا يَخِفُّ مِيزَانٌ تُوَضَّعَانِ فِيهِ، وَ لَا يَثْقُلُ مِيزَانٌ تُرْفَعَانِ عَنْهُ؛^۱ دو شهادتی که گفتار [نیکو] را اوج می‌دهند و عمل [صالح] را بالا می‌برند. میزانی که این دو شهادت را در آن می‌نهند، سبک نباشد و میزانی که این دو شهادت را از آن بردارند، سنگین نخواهد بود.»

در راستای شهادت به توحید، پیامبر گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در تفسیر «لا اله الا الله» فرمود: «وَهِيَ كَلِمَةُ التَّقْوَى، يُثْقَلُ اللهُ بِهَا الْمَوَازِينَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛^۲ این سخن، کلمه تقواست که خداوند به وسیله آن، میزان‌ها را در قیامت سنگین می‌کند.»

۲. ذکر صلوات بر محمد و آل محمد

ارتباط با پیامبر اعظم و اولیای الهی، همواره یکی از بهترین و نزدیک‌ترین راه‌های نیل به تقرب الهی است. کسانی که با پیامبر گرامی اسلام و اهل بیت بزرگوار آن حضرت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دائماً در ارتباط هستند و بر آنان درود و صلوات می‌فرستند، در قیامت نجات خواهند یافت. پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «أَنَا عِنْدَ الْمِيزَانِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَمَنْ ثَقَلَتْ سَيِّئَاتُهُ عَلَى حَسَنَاتِهِ جِئْتُ بِالصَّلَاةِ عَلَى حَتَّى أُثْقَلَ بِهَا حَسَنَاتِهِ؛^۳ در قیامت، کنار میزان و ترازوی اعمال هستم؛ هرکس گناهانش بیشتر از ثواب‌هایش باشد، صلوات بر خودم را که بر من فرستاده، در ترازویش می‌گذارم تا به سبب آن، حساناتش بر گناهانش سنگینی کند.»

امام باقر عَلِيٌّ در این باره می‌فرماید: «مَا فِي الْمِيزَانِ شَيْءٌ أَثْقَلَ مِنَ الصَّلَاةِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ؛^۴ در میزان عمل، چیزی سنگین‌تر از درود فرستادن بر محمد و آل محمد نیست.»

۱. صبحی صالح، نهج البلاغه، خ ۱۱۴.

۲. عروسی حویزی، نور الثقلین، ج ۵، ص ۶۵۹، ح ۱۲.

۳. مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۴، ص ۵۶، ح ۳۱؛ کلینی، اصول کافی، ج ۲، ص ۴۹۴.

۴. عروسی حویزی، نور الثقلین، ج ۵، ص ۶۵۹.

۳. محبت به اهل بیت علیهم السلام و زیارت آنان

انسان در بُعد عاطفی باید عواطف و احساسات خود را در مسیر صحیح جهت‌دهی کند. یک فرد مسلمان و مؤمن، نباید به هرکسی دل ببندد و یا بی‌جهت از کسی تنفر داشته باشد. محبت‌ها و بیزاری‌های مؤمن باید در راستای ایمان و اعتقاداتش باشد. محبت واقعی باید در راستای محبت خدا باشد؛ «وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ»^۱ هرکسی خداوند را دوست داشته باشد، فرستادگان و اولیای او را نیز دوست خواهد داشت و از آنان تبعیت خواهد نمود: «قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ»^۲ بنابراین، محبت شخص مؤمن باید به خداوند و اولیانش تعلق بگیرد که اثر محبت به اولیای الهی، تبعیت عملی از آن بزرگواران خواهد بود. درباره تأثیر محبت به اولیای الهی در سنگینی میزان، پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: «حُبِّي وَ حُبِّ أَهْلِ بَيْتِي نَافِعٌ فِي سَبْعَةِ مَوَاطِنَ أَهْوَالُهُنَّ عَظِيمَةٌ عِنْدَ الْوَفَاةِ وَ الْقَبْرِ وَ عِنْدَ النَّشُورِ وَ عِنْدَ الْكِتَابِ وَ عِنْدَ الْحِسَابِ وَ عِنْدَ الْمِيزَانِ وَ عِنْدَ الصِّرَاطِ»^۳ دوست داشتن من و دوست داشتن خاندان من، در هفت جای بسیار وحشتناک به کار آید؛ هنگام مردن، در گور، هنگام رستاخیز، هنگام دیدن نامه اعمال، هنگام حسابرسی [اعمال]، نزد ترازوی اعمال و صراط.»

محبت به اولیای الهی، سبب شوق به زیارت آنان می‌شود و قطعاً کسانی که به زیارت اولیای الهی می‌روند، مورد عنایت ویژه قرار خواهند گرفت؛ چنان‌که امام رضا علیه السلام فرمود: «مَنْ زَارَنِي عَلَى بَعْدِ دَارِي وَ مَزَارِي أَتَيْتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي ثَلَاثَةِ مَوَاطِنَ حَتَّى أُخَلِّصَهُ مِنْ أَهْوَالِهَا: إِذَا تَطَايَرَتِ الْكُتُبُ يَمِينًا وَ شِمَالًا، وَ عِنْدَ الصِّرَاطِ، وَ عِنْدَ الْمِيزَانِ؛^۴ کسی که با دوری راه مزار من، به زیارت من بیاید، روز قیامت در سه جا [برای دستگیری] نزد او خواهم آمد و او را از بیم و گرفتاری آن موقوف‌ها رهایی خواهم بخشید: هنگامی که نامه‌ها [ی اعمال] در راست و چپ به پرواز درآیند، نزد [پل] صراط و نزد میزان (محل سنجش اعمال).»

۴. اخلاق نیکو

حُسن خُلق، به معنای خوی خوش و برخورد نیکو با دیگران است. یکی از اصحاب امام

۱. سوره بقره، آیه ۱۶۵.

۲. سوره آل عمران، آیه ۳۱.

۳. مجلسی، بحار الانوار، ج ۷، ص ۲۴۸؛ احمدبن حنبل، فضائل اهل‌البيت من كتاب فضائل الصحابة، ص ۶.

۴. حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۴۳۳.

صادق علیه السلام از ایشان درباره اندازه حُسن خُلق پرسید. حضرت در پاسخ فرمود: «خوش خلقی، این است که با رفتاری متواضعانه و ملایم و گفتاری نیکو و دل‌پسند و چهره‌ای گشاده با دیگری برخورد کنی.»^۱ بنابراین، بجا و شایسته است که مؤمنان در رفتارها و برخوردهایی که در خانواده، محیط کار و یا اجتماع دارند، با حُسن خُلق توأم باشد.

یکی از ثمره‌های مهم حُسن خُلق، تأثیرگذاری آن در میزان اعمال است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «ما يَوْضَعُ فِي مِيزَانِ أَمْرِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَفْضَلُ مِنْ حُسْنِ الْخُلُقِ؛^۲ در میزان هیچ انسانی روز رستاخیز، چیزی گرانبهاتر از اخلاق نیکو نیست.» اخلاق نیکو، ارزشمندترین عملی است که در ترازوی اعمال نهاده می‌شود.

نتیجه سنجش اعمال

بعد از سنجش اعمال، انسان‌ها به دو دسته تقسیم می‌شوند: دسته‌ای سعادت‌مند و دسته دیگر شقاوت‌مند؛ «فَمَنْ تَقَلَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ وَ مَنْ حَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ فِي جَهَنَّمَ خَالِدُونَ؛^۳ و آنان که وزنه اعمالشان سنگین است، همان رستگاران اند و آنان که وزنه اعمالشان سبک باشد، کسانی هستند که سرمایه وجود خود را از دست داده، در جهنم جاودانه خواهند ماند.»

قرآن کریم در توضیح و تشریح حیات سعادت‌مندان و زندگی شقاوت‌مندان می‌فرماید: «فَأَمَّا مَنْ تَقَلَّتْ مَوَازِينُهُ فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَاضِيَةٍ وَأَمَّا مَنْ حَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُمُّهُ هَاوِيَةٌ وَ مَا أَدْرَاكُ مَا هِيَ نَارٌ حَامِيَةٌ؛^۴ اما کسی که [در آن روز] ترازوهای اعمالش سنگین است، در یک زندگی خشنودکننده خواهد بود و اما آن‌که ترازوهایش سبک است، پناهگاهش هاویه (دوزخ) است و تو چه میدانی هاویه چیست؟ آتشی است سوزان.»

مراد از زندگی خشنودکننده، زندگی در بهشت است که خداوند درباره آن می‌فرماید: «أُولَئِكَ يُجْزَوْنَ الْغُرْفَةَ بِمَا صَبَرُوا وَ يُلْقُونَ فِيهَا تَحِيَّةً وَ سَلَامًا خَالِدِينَ فِيهَا حَسَنَتْ مُسْتَقَرًّا وَ مُقَامًا؛^۵

۱. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۰۳.

۲. مجلسی، بحار الانوار، ج ۷، ص ۲۵۰؛ سنن ترمذی، ج ۴، ص ۳۶۳.

۳. سوره مؤمنون، آیه ۱۰۲ - ۱۰۳.

۴. سوره قارعه، آیه ۶ - ۱۱.

۵. سوره فرقان، آیه ۷۵ - ۷۶.

اینان اند که به پاس آنکه صبر کردند، غرفه‌های بهشت را پاداش خواهند یافت و در آنجا با سلام و درود مواجه خواهند شد. در آنجا، جاودانه خواهند ماند؛ چه خوش قرارگاه و مقامی است!»

همچنین، درباره جایگاه شقاوتمندان می‌فرماید: «إِنَّ عَذَابَهَا كَانَ غَرَامًا إِنَّهَا سَاعَةٌ مُسْتَقَرًّا وَ مُقَامًا؛ عذاب جهنم، سخت و دائمی است و در حقیقت، آن، بدقرارگاه و جایگاهی است. شقاوتمندان در عذاب و خواری و درد و رنج بی‌منتها در جهنم مستقر خواهند شد.»